هشدار، این قسمت شامل صحنه‌های خشونت‌آمیزی است که ممکن است برای بعضی از خوانندگان ناراحت‌کننده باشد.

7سرنوشت

چاکهو

الهام از شخصیت‌های
گروه بی‌نام‌اس

قسمت ۲۰

서걱

쿵

دو-گون...؟

جوآن...

کین.

بچه‌ها...
هارو...

کمکم کنین
خواهرم رو
نجات بدم!

با چشم‌های
خودم دیدم بومه‌ها
دارن آدم‌ها رو
می‌دزدن.

و بومی که به
زخم دور چشمش
داشت...

همه‌اش
تقصیر منه...

همه‌اش به‌خاطر اینه
که من ازشون کمک
خواستم...!

Hahahah

نیازی نیست اینجوری زانوی غم بغل بگیری.

یکم دیگه به دوست‌هات ملحق می‌شی.

ببین چقدر مجربونم.

کجا رو اشتباه رفتم؟

همه چیزی که می‌خواستم نجات خواهرم بود...

اگه نرفته بودم تمرین و به‌جاش با جوهه وقت می‌گذروندم،

یک روز بعدش یه بوم اون رو نمی‌دزدید.

فکر کردم بالاخره امروز می‌تونم باهات بازی کنم...!

تو همیشه درگیر مسابقه‌هاتی!

آخجون، یه لباس!

اگه می‌دونستم همه چیز اینجوری می‌شه بیشتر باهات وقت می‌گذروندم.

هیچ‌وقت کاری رو که می‌خواستی انجام ندادم یا هیچ‌وقت جاهایی که می‌خواستی نبردمت.

واقعا؟! پس قول بده!

آره، قول مردونه.

حالا، دیگه
قولی ندارم بهش
عمل کنم...

...خونواده‌ای
ندارم ازش
محافظت کنم...

...و رویایی
ندارم که بهش
برسم.

دیگه هیچ‌چیز
برام نمونده.

شاید دیگه وقت
تسلیم شدنه.

خودت رو جمع و جور کن، هوان!!!
جه‌ها...؟
نمی‌تونی همینجوری تسلیم بشی!!

خواهرت اگه تو رو اینجوری می‌دید ازت ناامید می‌شد!!!

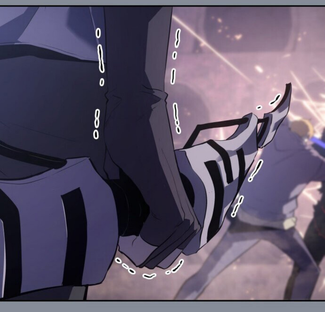

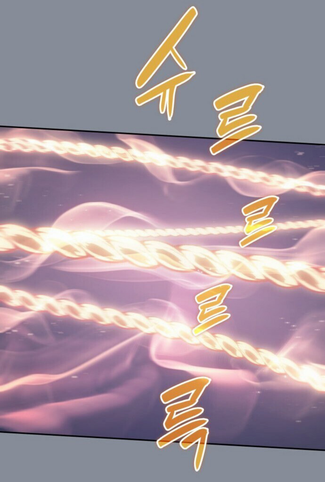

من کاملا اطمینان دارم اگر این بوم زنده بمونه مصیبت بدی بر سرمون نازل می‌شه.

باید هرطور شده همین‌جا و همین الان کارش رو تموم کنیم.

اگه همه باهم بجنگیم آخرین نفس‌هاش رو می‌کشه...!

ناموسا فکر کردین اضافه کردن یه مگس کوچولوی دیگه به دعوا می‌تونه ورق رو برگردونه؟

تا وقتی امتحانش نکنیم نمی‌فهمیم.

من
مستقیم قلبش
رو شکافتم...

برگات نریزه
یه‌وقت.

هیچ‌کس به‌خاطر
یه خراش کوچولو
نمی‌میره.

اه، اون تفنگدار هم زنده موند؛

باز هم اون حقه‌های ناچیزش رو پیاده می‌کنه.

حتی حال ندارم جاخالی بدم...

크아아아아아아아아아아아
چطور یه سلاح انسانی رو من کار کرد؟!
چی توش گذاشتی؟!
ㅋㅋㅋㅋㅋ

آخ... نمی‌تونم زود زخم‌هام رو درمان کنم!

باید یه‌چیزی بخورم و انرژیم رو برگردونم...!

لعنتی! ساختمون نمی‌تونه بیشتر از این دووم بیاره!

بیاین زودتر کارش رو تموم کنیم و از اینجا...!

ها...؟

과
과
과
과

اینجا دقیقا
چه اتفاقی داره
صیفته...؟!
쿵
두근

콰쾅
쿵
쿵
쿵
쿵
쿵

کین!
فرار کن!

دلم نمی‌خواد دوباره
اون رنج و عذاب رو
تحمل کنم.

گیر کردن تو
ترس و وحشت...

...امروز
تموم می‌شه.

쾅

흐으으으
흐으으으...

허 으 으 으...

네...
네...
네!

زیادی گاردم رو آوردم پایین.

اگه اون تفنگ اسباب‌بازی به چشمم شلیک نشده بود!

یه چیزی اونجاست.

یعنی گوشته؟!

زا... هو...؟

كيبام
كيبام

یادداشت مترجم :

برای تمام کسانی که جان خود را
در این سه هفته از دست دادند. پس:
«نمی‌تونی همینجوری تسلیم بشی!»
برای زن، زندگی، آزادی...!

7 سرنوشت

چاکهو

الهام از شخصیت‌های
گروه پرپرلیس

BTS
سگا ساکرمی
خدا حافظ
#زن_زندگی_آزادی

به ما
بپیوندید
تا شادی
را برای
دیگران
به یادگار
بگذارید!!
ANCHOR
دنیای انیمه و مانگا